

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Social

اجتماعی

نویسنده: گرامی یاد احمد قاسمی – بازتاب و ارسال: همایون اوریا
۱۹ جنوری ۲۰۲۳

جامعه شناسی

(۱۷)

معامله اوراق بهادار در نظر مردم:

عموم مردم نسبت به این خانواده های تازه به دوران رسیده، نظر خوبی نداشتند. برای کسانی که به حجم کوچک کار ها و به منافع کوچک تجارتي و به ثابت ماندن نسبي میزان ثروت عادت داشتند، توسعه معاملات و منافع عظيم، ترقی کردن سریع افراد و خانواده ها، موجب تعجب و باعث مخالفت بود، مخصوصاً معاملاتی که در آنها یک قطعه کاغذ جانشین محصولات مورد معامله می گردید. معاملات موجد که تمام و یا قسمتی از بهای آن بعد از مدت معینی تسلیم می شد و در موقع معامله ظاهر نبود، این گونه معاملات که گوئی بر روی هیچ بنیاد نهاده شده بود، در نظر کسانی که ذهن شان از این طرز معامله خالی بود، غریب می آمد. از طرف دیگر آنها می دیدند که چطور پول در نزد عده معینی جمع می شود، چطور قیمت ها بالا می رود، از این جهت عموماً مخالف این ترتیبات جدید بودند. اما کم کم لازم شد که قواعد و قوانین قدیم در مقابل فشار انقلابات تجارتي، یعنی در مقابل اثرات قرض و تنزیل سر خم بکند و مردم ناچار شدند که مقتضیات اوضاع جدید اقتصادی را بپذیرند. این جا نیز یکی از موارد اثبات این نکته است که ضروریات اقتصادی خیلی قوی تر از تنوری هاست.

ارسطو گفته بود، روحانیون مسیحی هم تصدیق کرده بودند که پول بچه نمی زاید، حتی "لوتر" اصلاح کننده معروف مسیحیت با هر نوع اعتبار مخالف بود، اما به تدریج که تجارت وسعت پیدا می کرد، این اصل کهنه را باطل می گردانید و ناچار برای این که عملیات تجارتي را که خود روحانیت در آنها شرکت داشت، بتوانند با ظاهر مذهب وفق بدهند، کلاه شرعی گذاشتند و گفتند، منفعت پول به وسیله گندم پرداخت شود تا این اصل که پول بچه نمی زاید، غلط نشود، زیرا که گندم بعکس پول، می تواند ثمر بدهد و زیاد شود، گفتند قرض دهنده از این جهت منفعت می گیرد که خود را و پول خود را به خطر می اندازد.

سرمایه داری صنعتی – آیا در پهلوی این سرمایه داری تجارتي، سرمایه داری صنعتی هم موجود بود؟

در میان صنایع قدیم یک صنعت بود که در اثر افزار ها و تشکیلاتش جنبه سرمایه داری داشت و آن صنعت پارچه بافی بود. به تدریج که فعالیت تجارتي زیاد شد و بازار ها وسعت پیدا کرد و رقابت پارچه باف ها با یکدیگر شدید گردید، بر جنبه سرمایه داری کارخانه های پارچه بافی هم افزوده شد. دیگر این کارخانه ها می بایست حوایج مشتری هائی را

مرتفع ساختند که میزان احتیاج آنها مثل سابق از پیش معلوم نبود و از این جهت آن قواعد قدیم تولید، باعث مزاحمت می شد. صاحبان صنایع برای این که از این مقررات که در شهر ها ایجاد شده بود فرار کنند، به تدبیری که از قرن ۱۳ آغاز گردید، دست زدند، یعنی یک قسمت از ساختمان های کارخانه ها را به خارج شهر و حومه آن بردند، به این طریق در دهات جمعیتی به وجود آمد که یک نیمه کارگر و یک نیمه دهقان بود و دهقان ها در همان حال که به کار های زراعتی اشتغال داشتند، در کارگاه ها نیز کار می کردند. این صنعت پارچه بافی بدیهی است که در یک مملکت محصور نماند و تجارت آن به خارج هم سرایت کرد. هر قدر صنعت پارچه بیشتر برای خارج کار کرد، بیشتر دستخوش بحران گردید زیرا که "مازاد تولید" پیدا کرد. به این معنی که چون دیگر نمی توانست میزان محصولی را که در ممالک خارج مورد احتیاج خواهد بود، پیش بینی کند. چون این میزان ثابت نبود، اتفاق می افتاد که محصولات درست شده کارخانه بدون مشتری می ماند و قیمت آنها پائین می آمد و کارخانه مجبور می شد تا موقع مصرف شدن آنها از تهیه کالا خودداری کند، مثلاً در سال ۱۵۲۷ که انگلستان با شارل پنجم پادشاه اسپانیا به هم زد، این موضوع باعث شد که تمام بازار های وسیعی که تابع شارل بود، بر روی تجار انگلیسی بسته شود. از این جهت صاحبان کارخانه های پارچه بافی انگلیس خریدار پیدا نکردند و مجبور شدند عده از کارگر های خود را بیکار کنند، و به این طریق فریاد ناخشنودی مردم بلند شد.

در کنار صنعت پارچه بافی که قدیم تر به وجود آمده بود، کارگاه های جدیدی برای اشیاء لوکس و اشیاء جنگی پیدا شد. این صنایع در اثر جدید بودن شان و در اثر نوع شان از حدود قوانین کورپوراسیون ها خارج بودند و نمی شد قوانین سابق را در مقابل آنها علم کرد. این صنایع می بایست از لحاظ فنی آزادی می داشتند. به این طریق زمینه مساعدی، اگر نگوئیم برای سرمایه داری واقعی صنعتی، لاقلاً برای عملی ساختن سرمایه داری تجارتی جدید پیدا شد.

پیدایش صنعت چاپ هم در این موضوع تأثیر عمیقی داشت. ژان گوتنبرگ (متولد در المان ۱۳۹۷ - ۱۳۶۸) صنعت چاپ را که پیش از او پیدا شده بود با شرکت دو نفر دیگر تکمیل کرد، وقتی که صنعت چاپ کامل شد، لوازم چاپ و حروف، فلزاتی که به روی حروف ریزی لازم بود، موجودی های کاغذ و مرکب، کتاب ها و مجلات چاپ شده، همه این ها ثروتی بود که مثل زمین مورد خرید و فروش و اجاره قرار می گرفت و میان شرکاء تقسیم می شد.

چون تأسیس چاپخانه با ماشین های وارداتی که لازم داشت، محتاج پول های زیاد بود، این صنعت هم به دست تجار افتاد و برای آن شرکت ها تشکیل دادند، تهیه کتاب، انبار کردن و به بازار بردن، هر کدام از این ها محتاج سازمان های تجارتی مخصوص بود.

به مناسبت صنعت چاپ، صنعت کاغذ سازی به وضع جدید هم که از قرن دهم شروع شده بود، ترقی پیدا کرد، صنایع توپخانه هم که از قرن ۱۴ به واسطه استعمال باروت رایج گشته بود، در این دوره وسعت یافت و بر تراکم سرمایه افزود.

نظر کلی به اوضاع اجتماعی - به تدریج که قیمت ها بالا رفت وضعیت مادی کارگر بدتر شد، زیرا که مزد آنها به اندازه ترقی قیمت ها ترقی حاصل نکرد.

حاکمیت و فرمانروائی بر صنعت، مخصوص عده محدودی گردید که مزایای خود شان را به ارث منتقل می کردند. فاصله اجتماعی میان کارگر و ارباب در کارگاه ها زیاد شد، زیرا که رسیدن به مرتبه استادی روز به روز سنگین تر، قیمت تر و مشکل تر می گردید و کارگر ها از اداره امور شهر ها برکنار می شدند. به این طریق طبقه پرولتاریا به وجود آمد و علیه تمایلات اریستوکراسی متشکل گردید و بنای طغیان را نهاد. مثلاً در سال ۱۵۳۹، در شهر لیون، در

صنعتی که از همه صنایع " کاپیتالیست تر " بود، یعنی در صنعت چاپ اعتصاب معروفی روی داد که به صنایع پاریس هم سرایت کرد و بگیر و ببند آن تا سال ۱۵۷۱ ادامه یافت. قدرت پادشاه نه تنها با بی رحمی تمام در این اعتصاب ها مداخله کرد، بلکه فرصت را غنیمت شمرده هر گونه اجتماعات کارگران را اعم از کوچک و بزرگ به موجب فرمان ۱۵۳۹ قدغن کرد.

در همین سال ۱۵۳۹ کاملاً مشخص می شود که سرمایه داری بعد از آن که در زمینه تجارتي به وجود آمده است، می کوشد که بازار کار را هم مسخر کند. در همین دوره، پرولتر ها، یعنی کارگرانی که دیگر نمی توانند مالک ابزار های کار باشند به وجود می آیند و با طبقه سرمایه دار به مبارزه می پردازند.

اما تکامل زراعت بعکس صنعت، در همه جا به یک نحو به عمل نیامد. در فرانسه چون احتیاج به " دست " برای کارخانه ها روز به روز بیشتر می شد، آزاد کردن سرف ها بیشتر انجام گرفت. مثلاً فرانسوای اول در سال ۱۵۴۴ سرف های قلمرو خودش را آزاد کرد و سنیور ها توصیه نمود که سرف های خود شان را آزاد کنند.

۲۶. تاریخچه مختصر صنایع:

مبدل شدن ابزار به ماشین - همان طور که قبلاً شرح دادیم از قرن ۱۲ به بعد تجارت و صنعت در اروپا رونق پیدا کرد و به تدریج زمینه برای سیستم سرمایه داری به وجود آورد، اما سیستم مذکور تا قرن ۱۸ که انقلاب بزرگ صنعتی ایجاد شد، بیشتر جنبه تجارتي داشت. اینک برای این که انقلاب صنعتی را درست بفهمیم، باید ببینیم اصلاً چه فرقی میان ابزار ساده تولید موجود است. البته خط مشخصی میان این دو نمی توان کشید. اما به طور کلی می توان وجه تمایز آنها را بیان کرد:

بعضی ها می گویند ابزار عبارت است از ماشین ساده و ماشین عبارت است از ابزار مرکب - به نظر آنها اختلاف اساسی میان ابزار و ماشین موجود نیست و مثلاً اهرم هم نوعی از ماشین محسوب می شود. این نظریه از لحاظ اقتصادی ارزش ندارد، چون که عامل تاریخی را در آن مداخله نداده اند.

بعضی دیگر می گویند فرق ابزار و ماشین در این است که ابزار به وسیله نیروی انسان کار می کند، ولی ماشین به وسیله نیروی طبیعی غیر از نیروی بشر، و مثلاً به وسیله قدرت حیوان، آب یا باد می چرخد. به موجب این عقیده، گاری اسبی که در دوره های مختلف اقتصادی وجود داشته، ماشین است، ولی کارگاهی که با دست یک نفر انسان می چرخد اما، کلی محصول دارد، ابزار است! به علاوه، بر طبق این نظریه اگر یک کارگاه به دست یک انسان بگردد، ابزار است و اگر همان کارگاه به وسیله حیوان به حرکت بیفتد، ماشین است.

برای این که فرق میان ماشین و ابزار درست فهمیده بشود، باید موضوع اساسی ذیل را در نظر بگیریم:

هر مکانیسم تکامل یافته از سه قسمت تشکیل می شود: موتور، قسمت نقاله، " ماشین - ابزار ".

موتور به عنوان قوه محرکه است. این قوه محرکه، یا به وسیله خود موتور تولید می شود، مانند ماشین بخار و یا از یک نیروی طبیعی که در خارج از آن وجود دارد، ناشی می شود مثل سقوط آب و باد که آسیاب را می گردانند.

قسمت نقاله آن قسمتی است که حرکت را تحت نظم در می آورد و شکل آن را در موقع لزوم تغییر می دهد و حرکت را به " ماشین - ابزار " می رساند.

اما " ماشین - ابزار " در حقیقت عبارت از همان دستگاه ها و ابزار هائی است که سابقاً در دست کارگر و پیشه ور بود با این فرق که امروزه دستگاه ها و ابزار های مذکور در دست یک مکانیسم است، نه یک کارگر پیشه ور.

" ماشین - افزار " دستگاهی است که پس از آن که حرکت لازم به آن داده می شود، عملیاتی می کند که سابقاً کارگر با افزار های شبیه به آن انجام می داد.

فرق میان ماشین و افزار این است که دستگاه مذکور از دست کارگر به دست مکانیسم داده می شود و به محض این که این عمل انجام یابد، اختلاف فاحشی در تولید مشهود می گردد، اگر چه قوه محرکه آن مکانیسم، خود انسان باشد. قوه محرکه هر چه باشد تا وقتی که " ماشین - افزار " به وجود نیاید، تغییر بزرگی در صنعت داده نمی شود. مثلاً خیلی قبل از دوره مانوفاکتور (صنایع دستی) قوای محرکه ماشینی به وجود آمده بود، ولی انقلابی در صنعت ایجاد نکرد. و حتی ماشین بخار که در آخر قرن ۱۷ اختراع شد، تا آخر قرن ۱۸ بخودی خود نتوانست صنعت را منقلب کند و فقط اختراع " ماشین - افزار " بود که ماشین بخار را تکمیل نموده، مورد استفاده قرار داد. بدیهی است که قوه محرکه در جای خود دارای اهمیت زیاد است و بدون آن هم انقلاب صنعتی به درجه تکامل نمی رسد، اما باید در نظر داشت که عامل اصلی انقلاب صنعتی به درجه تکامل نمی رسد، اما باید در نظر داشت که عامل اصلی انقلاب صنعتی در مکانیزه شدن افزار کار است، در این که افزار کار را به ماشین مبدل نماید. این انقلاب در قرن ۱۸ صورت گرفت. ما برای این که تحول صنعت ها و انتقال آنها را به اروپا که باعث تحول دوره فئودالیت و پیدایش سرمایه داری گردید، نشان بدهیم و آنچه را که در فصل های گذشته بیان کردیم، مجسم تر گردانیم، تاریخچه مختصری از صنایع مهم ذکر می کنیم:

نخ تابی و پارچه بافی - فن نخ تابی از قدیم ترین فنون بشری است و با پیدایش اجتماعات آغاز می شود. دوک قدیم ترین افزار این فن میباشد که در نزد تمام ملت ها معمول بوده است. فقط در قرن ۱۶ و به ادعای بعضی ها در قرن ۱۷ بود که چرخ نخ تابی اختراع شد که با حرکت می کرد. در قرن هجدهم هنوز نخ تابی یکی از مشغولیت های زنان دهاتی بود که با دوک و یا با چرخ نخ تابی به این کار می پرداختند.

در این موقع بود که نخ تابی مکانیکی اول مرتبه در انگلستان به وجود آمد. در اواسط قرن هجدهم در اثر احتیاج زیادی که در انگلستان به پارچه و نخ پیدا شد، در صدد اختراع ماشینی برآمدند که بتواند به اندازه چندین نفر کارگر محصول تولید کند. در آخر همین قرن ماشین نخ تابی که می بایست با قوه خیلی زیادی حرکت کند، اختراع شد. مکانیزه کردن صنعت پارچه بافی هم در آخر قرن هجدهم عملی گردید. فکر این موضوع در اول، در سال ۱۷۶۸ در فرانسه پیدا شد، ولی اولین کسانی که آن را عملی ساختند، انگلیسی ها بودند.

ماهوت سازی - استفاده از پشم برای لباس، اولین مرتبه در میان قبایل چوپانی عملی گردید و به تدریج صنعت ماهوت سازی را به وجود آورد که در زمان امپراطوری روم خیلی رونق گرفت.

بعد از آن که ژرمن ها به روم حمله کردند، صنعت ماهوت سازی هم مانند سایر صنایع رو به انحطاط رفت و فقط بعد از قرن ۱۳ بود که در هالند و بلژیک کم کم احیاء این صنعت آغاز گردید. هالندی ها و بلژیکی ها برای ماهوت سازی از پشم فرانسه، انگلستان، اسپانیا و المان استفاده می کردند و تا قرن ۱۵ تقریباً انحصار این صنعت را داشتند. اما به زودی انگلیس ها متوجه شده صدور پشم را از انگلستان قلعن کردند. و به کمک کارشناسان هالندی و بلژیکی به ایجاد کارخانه های ماهوت سازی در کشور خود پرداختند.

در فرانسه اولین اقداماتی که برای رواج ماهوت سازی به عمل آمد، در نیمه دوم قرن ۱۶ بود، ولی اقدامات اساسی در اواسط قرن ۱۷ در زمان " کلبر " وزیر لوئی چهاردهم انجام گرفت.

شیشه سازی - بعد از آن که امپراطوری روم برافتاد، صنعت شیشه سازی هم رو به انحطاط رفت و فقط در بعضی از شهر های فرانسه و ایتالیا به ساختن شیشه های معمولی می پرداختند. اما بعد از مدتی این صنعت در انگلستان هم شایع شد.

شیشه های لوکس فقط در اسپانیا به توسط اعراب و در مشرق یونانی ها ساخته می شد و تا قرن ۱۳ همین ملت ها بودند که شیشه مورد احتیاج اروپا را تهیه می کردند.

اولین بار اهالی ونیز توانستند در قرن ۱۳ شیشه سازی لوکس را در اروپای باختری هم باب کنند و این صنعت را در قرن ۱۴ به منتهای رونق رساندند. کم کم ملت های دیگر با آنها به رقابت پرداختند و در آخر قرن ۱۷ در فرانسه و انگلستان و المان کارخانه های شیشه سازی بزرگ برپا گردید و اختراعات جدیدی در این فن به عمل آمد.

کاغذ سازی - مصری های قدیم برای نوشتن از برگ های گیاه پاپیروس استفاده می کردند. استفاده از پاپیروس کم کم به نواحی مجاور سرایت کرد و در قرن پنجم قبل از میلاد به اروپا رسید.

از قرن پنجم بعد از میلاد که کاغذ پارشمن رواج پیدا کرد و از رونق پاپیروس کاسته شد و اصولاً استعمال آن از قرن ۱۲ به بعد در فرانسه و سایر کشور های اروپا متروک گردید.

کاغذ پارشمن از پوست گوسفند، گوساله، میش و بز ساخته می شد و اختراع آن خیلی قدیمی است، ولی تاریخ صنعت ظریف آن را باید دو قرن قبل از میلاد دانست. استفاده از پارشمن به زودی در ممالک مختلفه معمول شد و در دوره قرون وسطی هم تا موقع رواج کاغذ جدید متداول بود و حتی بعد از رواج آن هم تا چند قرن مورد استفاده قرار می گرفت.

اما کاغذ به سبک امروز در اول از پنبه ساخته شد و مخترع آن چینی ها بودند که دو قرن پیش از میلاد به این اختراع موفق شدند. در قرن ۸ که عرب ها بر بخارا مسلط شدند، در کتابخانه بخارا به این نوع کاغذ برخوردند و آن را در آسیای غربی رواج دادند. کاغذ مذکور یک قرن بعد، یعنی در قرن ۹ به اروپا نیز رسید.

ساختن کاغذ از کهنه و پارچه صحیحاً معلوم نیست در چه تاریخی اختراع شده، اما تکمیل آن در قرن ۱۲ به عمل آمده و در همین قرن بوده است که دستگاه های کاغذ سازی در اروپا دایر گردید.

عملیات کاغذ سازی در اول با دست و افزار های کوچک به عمل می آمد. مکانیزه کردن این صنعت در آخر قرن هفدهم (۱۶۹۹) به توسط فرانسویان اختراع شد، ولی انگلیس ها زود تر از دیگران توانستند اختراع را عملی گردانند.

قند سازی - آن قندی که عموماً در صنعت خرید و فروش می شود، موسوم است اصل آن را از نیشکر یا از چغندر می گیرند و پس از تصفیه به صورت قند تجارتی در می آورند.

۱ - نیشکر: در نواحی جنوبی آسیا زیاد است و قند سازی از همان جا ریشه گرفته است.

از عهد اسکندر کبیر یونانی ها از هندوستان قند وارد می کردند، اما مقدار آن به قدری کم بود که عموماً از دواخانه ها خریداری می شد.

در زمان امپراطوری روم قند را از هندوستان و عربستان می آوردند و در اروپای غربی فقط، پس از جنگ های صلیبی بود که قند تجارتی زیاد گردید.

از قرن ۱۳ به بعد که تجارت اروپا رو به رونق رفت، کشف نیشکر در سوریه و مصر و در جزایر عمده مدیترانه مرسوم شد و به توسط اسپانیایی ها به اراضی امریکا هم سرایت کرد. معذالک در قرن چهاردهم هنوز قند تصفیه شده در اروپا کم بود.

در اولین سال های قرن ۱۶ صنعت قندسازی در امریکا برپا گردید و تا مدت ها قند امریکا به توسط اسپانیا به ممالک اروپا می رسید. در قرن ۱۷ قند امریکا به قدری فراوانی به اروپا می رسید که بیشتر احتیاجات را رفع می نمود و چون در این دوره در سائر مستعمرات اروپا هم به تهیه قند پرداختند، فراوانی آن خیلی زیاد شد و بهایش خیلی پائین آمد.

۲ - چغندر: کشف قند در چغندر اول مرتبه توسط یک نفر شیمیدان المانی در نیمه دوم قرن هجدهم به عمل آمد، اما وقتی عملاً مورد استفاده قرار گرفت که جنگ با امریکا روی داد و قند امریکا به اروپا نرسید. آن وقت همه به دست و پا افتادند و کشف مذکور مورد توجه واقع شد و در نیمه اول قرن نوزدهم به کشت چغندر و بنای کارخانه های مهم قند سازی در فرانسه و سائر نقاط اروپا آغاز گردید.

صنعت چاپ: تا قرن ۱۵ تمام کتاب ها با دست نوشته می شد، صنعت چاپ در اواسط قرن مذکور اختراع گردید. **فلزات:** فلزات از عهد خیلی قدیم مورد توجه بشر واقع می شد، ولی بدیهی است که بشر در اول فقط فلزاتی را شناخت که در حالت خلوص در طبیعت پیدا می شوند، مانند طلا و نقره - بعداً به کشف فلزاتی موفق شد که آنها را به آسانی می شود از سائر مواد جدا کرد مانند مس و قلع و غیره. فقط در قرن ۹ بود که آثار کشف اسیدی که بتواند فلزات را در خودش حل کند و موجب خالص شدن آنها گردد پیدا شد و از قرن ۱۵ به بعد عده فلزات روز به روز بیشتر گردید.

معادن: در قدیم در معادن فقط غلام ها را به کار وامی داشتند، زیرا که کار معدن بسیار دشوار بود و غالباً به مرگ غلام منتهی می شد. در آن موقع معدن را با دیلم سوراخ می کردند و در موارد ضرورت قطعات معدن را داغ نموده روی آنها سرکه می ریختند تا آنها را بترکانند. در قرون وسطی نه فقط چیزی بر اصول استخراج معادن اضافه نشد، بلکه اصولاً بعضی از معادن تعطیل گردید. فقط در اول قرن ۱۷ بود که در اثر ابتکارات جدید وضعیت تازه ای برای معادن پیدا شد و با سرعت شروع به استخراج آنها نمودند.

ماشین بخار: ماشین بخار یکی از آثار هنر بشری است که بزرگ ترین تأثیرات را در تکامل صنعت داشته است. قرن ها بود که بشر قدرت بخار را می شناخت، اما اولین کسی که طریق استفاده از این نیرو را کشف کرد، دنی پاپن فرانسوی بود که در نیمه دوم قرن ۱۷ زندگانی می نمود. کشف دنی پاپن در همان قرن به موقع عمل گذاشته شد و موجبات تغییرات بزرگ در صنعت گردید.

ادامه دارد